محسن رهامی عضو سابق شورای عالی اصلاح‌طلبان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مردم نمی‌پذیرند بگوییم رابطه‌ای با دولت نداریم

حانیه موحدین
روزنامه‌نگار

بی‌تعارف آن روز که میهمانم در روزنامه شده بود و در لحظه ورود بدون عبا و عمامه در هیوندای شاسی بلند دیدمش، فکر نمی‌کردم اینچنین صریح و خوش مصاحبت باشد. محسن رهامی، سال‌هاست که بازیگر میدان سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبان است. نماینده مردم زنجان در مجلس شورای اسلامی اول و دوم بوده، استادی دانشگاه و سال‌ها دبیرکلی انجمن مدرسین را در کارنامه خود ثبت کرده و دستی در آنش لیست‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبان داشته است. از این رو گپ و گفت مفصل‌مان از مجلس و عملکرد امیدی‌هایش شروع شد. رهامی واقع‌بینانه معتقد است که اصلاح‌طلبان باید مسئولیت عملکرد نمایندگان مجلس و شورا و همچنین دولت را بپذیرند و دل پرغصه‌ای از تنانه خالی کردن‌های هم جریانی‌هایش دارد. تا آنجا که به صراحت از اصلاح‌طلبانی سخن می‌گوید که با اعتبار سران اصلاحات هم سکوت بر لبان منتقدان زدند و در نتیجه خروجی شورای شهر آن جبزی نشده که می‌توانستند داشته باشند. می‌گوید کوتاه آمدن‌های آن روزشان ممکن است منافع عمومی مردم تهران را فدای آن امتیازخواهی‌ها کند... شورای عالی سیاستگذاری و سهم‌خواهی‌ها در این ساز و کار انتخاباتی اصلاح‌طلبانه نیز از دیگر محورهای این گفت‌وگو بود. اینکه حرف‌های این فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در مورد اتوکشیده‌های منفعت‌طلب اصلاحات و منابع مالی کارگزاران و اتحاد ملت و حتی بیشتزاری قالیباف، ولایتی و جلیلی از روحانی و عارف در انتخابات ۹۲ نیز خواندنی است و به صراحت از شکست تاریخی‌شان در سال ۸۴ و تندروی‌هایی می‌گوید که باعث شد مردم تا مدت‌ها از اصلاح‌طلب‌ها فهر کنند. حجت‌الاسلام رهامی رفاقتی دیرینه با مهدی کروبی دارد و از تلاشگران در عرصه رفع حصر به شمار می‌آید. به واسطه مسئولیتش در کمیته حقوقی چندین انتخابات، او اگر گفت‌وگو پرسیدم به نظرش امکان، (تقلب، به معنی جابه‌جایی رای در ساختار انتخاباتی ایران وجود دارد؟ صریح گفت انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در کل سالم بوده و درصدهای بالا و پایین در آن حدی نیست که کل سرنوشت انتخابات را تغییر دهد...

گفتگو: محسن مصدق، امیرمسعود سلیمانی

شما در دوره اول و دوم، نماینده مردم زنجان در مجلس بودید. با این پیشینه ارزیابی‌تان از عملکرد مجلس دهم چیست؟

شرایط مجلس اول و دوم به دلیل مشکلاتی که در اول انقلاب داشتیم، با مجلس دهم خیلی فرق دارد. وقتی نامزد انتخابات مجلس شدم ۲۶ ساله بودم و در ۲۷ سالگی وارد مجلس شدم. طبیعی است که مجلس فعلی نسبت به مجلس گذشته به لحاظ تجربه و تخصص برابر نیاز است و به علاوه اینکه مملکت سرسامان گرفته و مسائل کشور روی ریل افتاده است. اما یک تفاوت چشمگیر این است که مجلس اول و دوم نسل برخاسته از انقلاب بود. برای رفتن به مجلس تبلیغات وسیع و آنچنانی در سطح بالا اصلا نداشتیم، بنابراین بعضی بدهی‌ها و انتظارات که برخی جریان‌ها و نمایندگان دارند و باید در دوران نمایندگی دین خود را ادا کنند، وجود نداشت. در حال حاضر می‌فکر می‌کنم نمایندگان به مسائل مناطق محروم و طبقات پایین‌ترنوجه مردم، که در واقع پشتیبان اصلی انقلاب هستند، بعضا کمتر توجه‌می‌کنند. به دلیل اینکه جمعی از نمایندگان در قالب یک‌سری جریانات سیاسی بالای می‌آیند و در تبلیغات به برخی جریانات سیاسی و اقتصادی بدهکار می‌شوند، در مجلس آن طور که انتظار داریم در مقایسه با مجلس اول و دوم، حمایت از مردم و اقشار آسیب‌پذیر و مناطق دوردست جامعه کمتر دیده می‌شود؛ مثلا وقتی با بحران گرانی، بیکاری، نوسانات ارزی و تعطیلی کارخانه‌ها مواجه هستیم، در مجلس تحرکات لازم را در جهت حل این مسائل کمتر می‌بینیم و این باعث تعجب است.

عملکرد نمایندگان فراکسیون امید را چطور ارزیابی می‌کنید؟

فراکسیون امید از جمله دوستانی هستند که مورد حمایت مجموعه همفکران ما بودند و همگی در تهیه این لیست تلاش و کمک کردیم و نیروهای نسبتا متخصص و معتدلی در این لیست قرارگرفت. من به‌عنوان مسئول کمیته ائتلاف و رایزنی که با حامیان دولت و احزاب اصلاح‌طلب همکاری داشتم، این لیست را با دوستان تهیه کردیم و الان هم از این مجموعه حمایت می‌کنم. اگرچه در ایفای وظایف نمایندگی، حساسیت خوبی نسبت به مسائل مردم نشان می‌دهند، ولی انتظار ما با همان صحبتی که در مقایسه با مجلس اول و دوم داشتیم، بیش از این است. فکر می‌کنم به مسائل مردم؛ توزیع عادلانه ثروت عمومی، توزیع عادلانه امکانات مملکت، تعمیق عدالت، فقرزدایی، تعمیق و تعمیم عدالت باید بیشتر توجه‌شود. چون لیست با همین شعارها پیش رفت. ما حوزه‌هایی را تهیه کردیم که در مجموع به عنوان ۱۲۰ محور بود که این تعداد شعارهای ما در انتخابات مجلس بود. در واقع باید نصب‌العین نمایندگان فراکسیون امید باشند که بعد از دو سالی که از فعالیت آنها گذشته، باید دید در این مدت چه اندازه به این ۱۲۰ محوری که براساس آن از مردم رای گرفتیم و پیمان نوشته‌ای با مردم داشتیم، عمل شده است.

فراکسیون امید در بزنگاه‌ها نتوانسته خود را به‌عنوان یک فراکسیون منسجم معنی نشان دهد. اعضای فراکسیون امید به‌جای اینکه مانند احزاب در قبال مسائل نمایندگی چون آقای صادقی در جواب انتقادات معتقدند رئیس فراکسیون امید (آقای عارف) باشنه و کشیده نیست. شما تا چه اندازه نسبت به عملکرد فراکسیون امید مجلس این اشکالات را وارد می‌دانید؟

به نظرم اشکالاتی که درخصوص عملکرد مجلس گفته می‌شود، درمورد فراکسیون امید هم وارد است. در دوره یازدهمی مجلس، عملا اصلاح‌طلبان و حامیان دولت ۱۶۰ نفر با لیست مشترک مه‌آلود به مجلس رفتند، تعدادی وارد فراکسیون امید شدند و تعدادی هم نیامدند. عملکرد این افراد را با حدود ۱۲۳ نفر نمایندگان که در مجلس اول یا دوم حضور داشتیم، مقایسه کنید که چطور منسجم از دولت، دولت حمایت می‌کردیم تا در شرایط بحران شدید جنگ آن مجلس با کمک دولت، کشور را به خوبی اداره کند، با اینکه کوتاهیم وجود دارد و خشونت در سطح بالایی وجود داشت. در فاصله مجلس اول تا دوم نزدیک به ۴۰ نفر از نمایندگان مجلس تغییر و شهید شدند، تعداد زیادی مجروح شدند. ما در آن شرایط حساس کار می‌کردیم و اگر بخواهیم به حال مقایسه کنیم هم به لحاظ قانون خوبی که تصویب کردیم و هم به لحاظ حمایت از مردم، آن مجلس را از این حیث موفق‌تر می‌دانیم.

در پاسخ به انتقادات نسبت به عملکرد اصلاح‌طلبان مجلس، بهانه رد صلاحیت‌ها عنوان می‌شود، با توجه به اینکه در شورای شهر چه‌بین ماتعی و رد و بدود، ارزیابی شما نسبت به عملکرد شورای شهر در یک سال گذشته چیست؟

ما اگرچه از لیست و لحاظ اصلاح‌طلبی همگی حمایت کردیم ولی به چگونگی بستن لیست و اولویت‌ها انتقاد داشتیم و فکر می‌کردیم غرائزگری بهتری می‌توانست انجام شود. درنهایت ترکیبی که فراهم شد، برخی احزاب سهم بیشتری گرفتند. عدم ساختار مجموع شورای عالی سیاستگذاری و فشاری احزاب سابقه‌دار و فراگیر باعث شد برخی افراد بدون‌اینکه برنگ‌بزرگان احزاب بالا بیایند و افراد خود را در لیست قرار دهند، آنها باید پاسخگو باشند.

به‌هرحال این لیست رای آورد. عملکردشان را چطور می‌دانید؟ در انتخابات شهردار تهران اکثریت معتدد بودند شورای شهر خوب عمل کرد.

باید قدری صبر کرد. به نظر شورای شهر یک پارلمان ایالتی است و اعضای آن اختیار وسیعی در اداره شهر دارند. کلانشهری همانند تهران در این پارلمان شهری مردان و زنانی در قد و قواره یک وزیر و رییس بالاتر نیاز دارد. اعضای شورای شهر باید کسانی باشند که به اصطلاح قدشان از شهردار تهران بالاتر باشد. شهردار تهران هم باید شخصی در حد نخست‌وزیر باشد. مثلک تهران نشانی از مجموعه عملکرد وزارتخانه‌ها، دولت‌ولایان‌های دیگر است. در تهران این گونه نیست که همه‌ندرخی شهرستان‌ها فقط استاندار و ادارات کل شهرستان‌ها، چون سفارتخانه‌ها و وزارتخانه‌ها در تهران هستند پس شورای شهر تهران پارلمانی در سطح هیات‌دولت باید باشد. هرقدر این مجموعه قدرتمند باشد خروجی آن هم قدرتمند می‌شود. در شهرهایی همانند پاریس و لندن کسی که از شورای شهر رای می‌گیرد و شهردار می‌شود فردی است که بعدا ممکن است رییس‌جمهور شود. خروجی این را شما در فرد قد و قواره رییس‌جمهور است. شورای شهر قد و قواره کسانی را دارد که در این مجموعه دیده شود. بنابراین برای رفع این نقص، ساله پارلمان اصلاحات به صورت جدی مطرح شده است، قرار شد فعلا شورای عالی سیاستگذاری اصلاحات درباره کمیته‌های خود تصمیم‌گیری نکند. درحال حاضر تاحدی کار کند شده تا شورای هماهنگی جبهه اصلاحات نسبت به پارلمان اصلاحات تصمیم‌گیری کند و ببینیم با وجود پارلمان اصلاحات آیا لازم است شورا باشد یا نه و درصورت وجود شورای سیاستگذاری چه اختیاراتی را باید به پارلمان اصلاحات و چه اختیاراتی را به شورای هماهنگی جبهه اصلاحات بدهیم و چه اختیاراتی را به شورای عالی اصلاحات واگذار کنیم. البته باید توجه کنیم هر اندازه نهادهای موازی درست کنیم ممکن است خود نهادهای موازی سبب تضعیف توان اصلاح‌طلبان بشود.

تاکیدی که متولیان شورای سیاستگذاری دارند این است که پارلمان اصلاحات در دوت تشکیل، به‌عنوان نهاد بالادستی شورای سیاستگذاری عمل خواهد کرد و شورای سیاستگذاری همچنان متولی انتخابات وبستن لیست‌ها خواهد بود. آن زمان شورای هماهنگی اصلاحات چه خواهد شد؟!

سوال من همین است. با توجه به سازوکارهای کنونی، شورای هماهنگی اصلاحات چه نقشی دارد؟

شورای هماهنگی جبهه اصلاحات در واقع همان جبهه سیاسی است که در قانون احزاب پیش‌بینی شده است. چون اعضای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات فقط دبیران کل احزاب هستند و احزاب خود نامزدهای می‌کنند و هیچ عضو خوفیقی در آن عضو نیست.

به هرحال از سوی تصمیم‌گیران اصلاحات تاکیدشده که شورای سیاستگذاری، پارلمان نیست و احزابی چون اتحاد ملت و کارگزاران که در انتخابات بار مالی را تامین می‌کنند، به‌طور طبیعی سهم بیشتری باید داشته باشند. این استدلال را چه اندازه درست می‌دانید؟

این دوحزب اصلا طلب در زمان خود، با حمایت دولت‌ها روی کار آمدند. حزب کارگزاران و حزب مشارکت که درحال حاضر در قالب اتحاد ملی فعالیت می‌کنند، در دوره دولت آقای هاشمی و دولت آقای خاتمی روی کار آمدند. طبیعی است بخشی از اینها مدیران اینها در دولت بودند و چه‌بسا به‌دلیل دسترسی به مدیریت‌های کلان به منابع مالی و سمپ‌تری هم‌دسترسی داشته باشند. بر واضح است که سایر احزاب و تشکل‌های دیگری که از دولت‌ها برنخاسته‌اند و روی پای خود ایستاده و روی کار آمده‌اند، ممکن است از نظر مالی توان ضعیف‌تری داشته باشند. اگر در بحث سیاسی، معیار دارایی مالی باشد ملاک باید ملاک باشد. کارخانه‌دار آن را بیاورید و سهم بدهیم؟ و اگر قرار بر امتیازدهی باشد، به تشکل‌ها و احزاب امتیاز بدهیم که از درصد بیشتر نخبگان و فرزانگان بهره‌مند هستند. در تمام دنیا حزب دردسرهای جدی‌ای دارد، برخی افراد هستند که نمی‌خواهند هزینه فعالیت سیاسی حزب را بپردازند و وارد احزاب نمی‌شوند. ما تعدادی از اعضای اتحادیه داریم که حاضر به پرداخت هزینه سیاسی نیستند. حاضر نیستند برای حزب زحمت بکشند و وقت بگذارند. در عوض به بعضی بزرگان اصلاحات یا در جریان مقابل به بالادستی، کنار یک دبیرکل حزبی که ماه‌ها ۲۰ سال کار کرده زحمت کشیده‌اند و تمام دولتان کردمی نشینند و می‌گویند من یک رای و شما هم یک رای!

ظاهر احزب در شورای سیاستگذاری فراتر از این است که احزاب یک سهم و افراد هم یک سهم. بخشی از اصلاح‌طلبان معتقدند سهم احزاب در مقابل افراد ناچیز است و حتی برخی افراد که به اسم تشکل‌های مختلف مثلا جوانان و زنان اضافه شده‌اند هم در واقع وزن آنها زیاد است و افراد با این عناوین، چهره‌های نزدیک به خود را وارد شورای سیاستگذاری کرده‌اند.

بله. همین انتقادات به شورای عالی سیاستگذاری باعث شد کارتاحدی موفق شود تا لیست را رای‌پذیر بیشتری کند. اگر تنوانیم اینها را حل کنیم طبیعی است که بسیاری از احزاب حضور پیدا نخواهند کرد. یعنی ممکن است ما دچار تنبلی شویم. تلاش این است که جلوی تشتت گرفته شود. این نوع امتیازات که تحت عناوین دیگری ظهور پیدا می‌کنند، می‌تواند در بلندمدت به شکاف عمیق بین اصلاح‌طلبان منجر شود. این اقدامات متعددی را برای جلوگیری از این شکاف برگزار کرده‌ایم و می‌خواهیم جبهه را به‌سمتی ببریم که در قانون آمده است. در عین حال نمی‌خواهیم بین ما نفرقه بیفتد و می‌خواهیم همکاری کنیم تا از شکافی که باعث می‌شود در انتخابات شکست بخوریم و پارلمان یا شورای شهر را از دست بدهیم، جلوگیری کنیم. بالاخره ما سال ۹۸ انتخابات مجلس و بعد از آن سال ۱۴۰۰، انتخابات ریاست جمهوری را داریم و فرصت زیادی برای بحث‌های دقیق نداریم. در همین انتخابات شورای شهر اخیر، ما نقدهایی به کیفیت بستن لیست داشتیم ولی درنهایت احزب خودشان لیست جدا بدهیم و از مجموعه اصلاحات حمایت کردیم. در شورای شهر تاریخچه به‌اینکه برخلاف مجلس، با نظارت استصوابی مواجه‌نبودیم، دست‌مان خیلی باز بود؛ یعنی می‌توانستیم در آن غربالگری بسیاری از نیروهای برنوان و با تجربه‌تری بیاوریم که بحران‌های کلانشهری همانند تهران را بهتر بتوانند حل کنند و جولانگری مردم باشد. با همه انتقاداتی که آن زمان داشتیم اما فکر کردیم این انتقادات نباید باعث شود ما لیست‌های موازی بدهیم و تلاش کردیم از ارائه هر نوع لیست موازی جلوگیری شود تا از درون چوب را پاشیدگی نشویم. ما باید در چارچوب بازی، حزبی کار کنیم و حزب افراد را درون لیست قرار دهد و نسبت به عملکرد افراد فش هم باید پاسخگو باشد.

به هرترتیب جریان اصلاح‌طلب پیروز انتخابات مجلس، شورای شهر و حزبی ریاست جمهوری شد. سوال من این است که درحال حاضر نسبت به عملکرد مجلس‌تان باید پاسخگو باشید یا نه؟

باید پاسخگو باشد. چون ما لیست بسته‌بودنی توانیم به عملکرد دولت و مجلس کنار بکشیم. این که برخی جریانات اصلاح‌طلب خود را کنار می‌کشند و اعلام‌نمی‌کنند که ما در دولت نیستیم، درست نیست. به هر حال این مجموعه دولت در انتخابات سال ۹۲ و ۹۶، ریاست‌جمهوری و شورای چهارم و مجلس دهم را با حمایت کجم و با لیست ما، مسئولیت قبول کردند و ما باید این مسئولیت را بپذیریم، باید پاسخگوی مردم باشیم. اگر جریانی حمایت می‌کند و لیستی را ارائه می‌دهد، باید مسئولیت آن را بپذیرد. گرایش مردم به جریان اصلاح‌طلب به اسم و رسم نیست، به عملکرد مامست. فکر می‌کنند ما پاسخگو هستیم. اگر در بلندمدت نشان دهیم ما هم پاسخگو نیستیم؛ مثلا وقتی است که به مجلس رفت، با مردم دیگر کاری نداشته باشیم و اعلام بی‌طرفی نسبت به دولت و مجلس بکنیم، به‌تدریج اعتبار خود را از دست می‌دهیم. مردم با هیچ جریان سیاسی‌ای عهد اخوت نبسته‌اند. فکر می‌کنند با فکر می‌کردند ما بهتر کار می‌کنیم، در عمل باید نشان داده شود. درواقع همین قسمت است که کار سخت می‌شود، ما اصرار داریم و می‌گوییم باید نسبت احزاب به‌رویم و انتخابات خوبی باشد. حن ۶۶ نفر نفر شورای حکمیت سبب آیقای رحمانی و عارف در ابتدای کار بودم.

۵ نفر به کسانی بودند؟

غیر از بنده و سه چهار نفر دیگر، آقایان دکتر نجفی، جمشید انصاری و خانم ایثار بودند. یکی، دو نفر دیگر هم بودند که مجموعه شورای مشاورین اصلاح‌طلبان بودند که کمیته پیگیری انتخاب کرده بودند. ما مرتب جلسات را برگزار می‌کردیم که بدانیم باید چه کنیم. با توجه به شرایط آن روز که نهایتا به آقایان روحانی و عارف رسید. در بین این دو نفر هم کمیته‌هایی در شورا شده است دو یک ارزیابی به عمل آمد که بین عارف و روحانی کدام‌یک موفقیت بهتری دارند تا حداقل مشخص شود درنهایت چه کسانی باید کمیته پیگیری انتخاب کرده بودند. فقط مستقل آمده بودند و ما اینها را کاندیدا نکرده بودیم. کاندیدای ما آقای خاتمی بود که با توجه به شرایط آن روز که نهایتا به آقایان روحانی و عارف رسید. در این دو نفر هم کمیته‌هایی در شورا شده است دو یک ارزیابی به عمل آمد که بین عارف و روحانی کدام‌یک موفقیت بهتری دارند تا حداقل مشخص شود درنهایت چه کسانی باید کمیته پیگیری انتخاب کرده بودند. فقط مستقل آمده بودند و ما اینها را کاندیدا نکرده بودیم. ارزیابی ما این بود که امکان رای‌آوری آقای روحانی از عارف بیشتر است.

باید مسئولیت آن بخش از مشکلات را که به دولت مربوط می‌شود بپذیریم و از مردم عذرخواهی کنیم.

اشاره کردید که آقای روحانی تمام خواسته‌های اصلاحات را که فکر می‌کردید برآورده می‌کند، برآورده نکرد. عملکرد ایشان که در چهار سال اول مشخص بود. با این وصف در سال ۹۶ که آقای نبود جرائم‌گیری به‌عنوان کاندیدای اصلی انتخاب نشد؟

انتقاد داشتن به دولت به این معنا نیست که از حمایت دولت دست برداریم. ما اگر با دو کاندیدا در سال ۹۶ وارد انتخابات می‌شدیم و آقای جهانگیری به نفع آقای روحانی کنار نمی‌رفت، چون آقای روحانی رئیس‌جمهور مستقر و معمولا رئیس‌جمهور مستقر امکان رای‌آوری بیشتری دارند تا نفری که تازه آمده و می‌خواهد برای اینها بار ستاند، احتمال شکست ما زیاد بود. مثلا من هم سال ۹۶ کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری شدم. این به این معنا نیست که از تمامیت ارضی و با روحانی رقابت کنیم. وقتی به صورت قطعی از تایید صلاحیت آقای جهانگیری مطلع شدم بلافاصله به دفتر شورای نگهبان رفتم و کنار دو واعظ انصراف دهم. ستادهای تبلیغاتی خودم را در تهران و تمامی شهرها در اختیار آقای روحانی قرار دادم و اگر در سال ۹۲ با ۶۱ یک نامزد وارد انتخابات شدیم همان اشتباهی که گفتم تورا سال ۸۴ اصلاح‌طلبان مرتکب شدند، اتفاق می‌افتاد. در سال ۸۴ هم کسانی که سراغ دکتر معین رفتند حرف‌شان این بود که ما فعلا می‌مانیم و در مرحله بعدی هر کدام که ماندند با هم انتخاب کنیم. معلوم نیست مرحله دومی رخ‌دهد که بخواهیم با هم رقابت کنیم. جریان‌های تندروی انتخابات مدت‌ها بود آقای هاشمی را تخریب می‌کردند. در فضایی محاکمه عبدالله نوری و... بیینید، روزنامه‌های اصلاح‌طلب در راستای تخریب آقای هاشمی ایشان را عنوان عایجناب سرخ‌پوش خطاب می‌کردند. مردم این گونه نیستند که ما شخصیتی همانند ایشان را بیاوریم و بگوییم مردم شما به همین کسی که تا دیروز تخریب کرده‌ایم رای دهید!

وقتی در سازوکار فعلی، از لیست و افرادی حمایت کردید یعنی کاندیدایی که چهره اصلاح‌طلبی شناخته‌شی شود را کنار گذاشته دانستید و با این کار، خواسته یا ناخواسته کارنامه دولت به پای جریان اصلاحات نوشته می‌شود.

درمورد آقایان روحانی و عارف باید عرض کنم هیچ کدام از این دوبزرگوار به درخواست ما نیامدند تا بنشانم بودند ولی پس از همین ارزیابی‌ها وحکمیت‌ها نهایتا به آقای روحانی رسیدیم. البته برنامه‌هایی که هر دو مطرح می‌کردند به تفکرات و ایده‌های اصلاح‌طلبان خیلی نزدیک‌تر بود.

ولی درنهایت به خواست جریان اصلاحات، آقای عارف که معاون رئیس دولت اصلاحات را هم در کارنامه داشت، انصراف داد.

بله. قرار بود چند نفر لیست‌نام تنکیک کنیم بعضی اینجا تایک‌بت اصلاحیت است و مامنی توانیم صفر و صدری در نظر بگیریم و صد در صد برنامه مردم کنیم. حتی در جلسات، من آقای دکتر قالیباف را هم پیشنهاد دادم. فکر می‌کردم اگر اولویت‌های ما باید نشد، در دوم پیشنهاد ایشان، البته این نظر جمع نبود. درواقع به معنای آن نبود که با فرض حضور آقای خاتمی، ما ولایتی را ترجیح می‌دادیم. به‌هرحال ایشان از جریانات تند سیاسی بهتر و معتدل‌ترمی‌دانستیم. منظورایشان است که مابایدپله‌پایین می‌آمدیم. درنهایت ارزیابی ما این بود که امکان رای‌آوری آقای روحانی از آقای عارف بیشتر است. حتی اشتباه کردید و انتخابات بعدی از اینها رای گردان می‌شوید، این حق مردم است ولی ما نمی‌توانیم بگوییم با این دولت کاری نداریم و این مجلس هم ربطی به ما ندارد. هرمردود مجلس و هم نشان دهیم ما هم پاسخگو نیستیم؛ مثلا وقتی است که به مجلس رفت، با مردم دیگر کاری نداشته باشیم و اعلام بی‌طرفی نسبت به دولت و مجلس بکنیم، به‌تدریج اعتبار خود را از دست می‌دهیم. مردم با هیچ جریان سیاسی‌ای عهد اخوت نبسته‌اند. فکر می‌کنند با فکر می‌کردند ما بهتر کار می‌کنیم، در عمل باید نشان داده شود. درواقع همین قسمت است که کار سخت می‌شود، ما اصرار داریم و می‌گوییم باید نسبت احزاب به‌رویم و انتخابات خوبی باشد. من ۶۶ نفر ۶۶ نفر شورای حکمیت سبب آیقای رحمانی و عارف در ابتدای کار بودم.

۵ نفر به کسانی بودند؟

غیر از بنده و سه چهار نفر دیگر، آقایان دکتر نجفی، جمشید انصاری و خانم ایثار بودند. یکی، دو نفر دیگر هم بودند که مجموعه شورای مشاورین اصلاح‌طلبان بودند که کمیته پیگیری انتخاب کرده بودند. ما مرتب جلسات را برگزار می‌کردیم که بدانیم باید چه کنیم. با توجه به شرایط آن روز که نهایتا به آقایان روحانی و عارف رسید. در این دو نفر هم کمیته‌هایی در شورا شده است دو یک ارزیابی به عمل آمد که بین عارف و روحانی کدام‌یک موفقیت بهتری دارند تا حداقل مشخص شود درنهایت چه کسانی باید کمیته پیگیری انتخاب کرده بودند. فقط مستقل آمده بودند و ما اینها را کاندیدا نکرده بودیم. ارزیابی ما این بود که امکان رای‌آوری آقای روحانی از عارف بیشتر است.

باید مسئولیت آن بخش از مشکلات را که به دولت مربوط می‌شود بپذیریم و از مردم عذرخواهی کنیم.

اشاره کردید که آقای روحانی تمام خواسته‌های اصلاحات را که فکر می‌کردید برآورده می‌کند، برآورده نکرد. عملکرد ایشان که در چهار سال اول مشخص بود. با این وصف در سال ۹۶ که آقای نبود جرائم‌گیری به‌عنوان کاندیدای اصلی انتخاب نشد؟

انتقاد داشتن به دولت به این معنا نیست که از حمایت دولت دست برداریم. ما اگر با دو کاندیدا در سال ۹۶ وارد انتخابات می‌شدیم و آقای جهانگیری به نفع آقای روحانی کنار نمی‌رفت، چون آقای روحانی رئیس‌جمهور مستقر و معمولا رئیس‌جمهور مستقر امکان رای‌آوری بیشتری دارند تا نفری که تازه آمده و می‌خواهد برای اینها بار ستاند، احتمال شکست ما زیاد بود. مثلا من هم سال ۹۶ کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری شدم. این به این معنا نیست که از تمامیت ارضی و با روحانی رقابت کنیم. وقتی به صورت قطعی از تایید صلاحیت آقای جهانگیری مطلع شدم بلافاصله به دفتر شورای نگهبان رفتم و اعلام انصراف کردم. ستادهای تبلیغاتی خودم را در تهران و تمامی شهرها در اختیار آقای روحانی قرار دادم و اگر در سال ۹۲ با ۶۱ یک نامزد وارد انتخابات می‌شدیم همان اشتباهی که گفتم تورا سال ۸۴ اصلاح‌طلبان مرتکب شدند، اتفاق می‌افتاد. در سال ۸۴ هم کسانی که سراغ دکتر معین رفتند حرف‌شان این بود که ما فعلا می‌مانیم و در مرحله بعدی هر کدام که ماندند با هم انتخاب کنیم. معلوم نیست مرحله دومی رخ‌دهد که بخواهیم با هم رقابت کنیم. جریان‌های تندروی انتخابات مدت‌ها بود آقای هاشمی را تخریب می‌کردند. در فضایی محاکمه عبدالله نوری و... بیینید، روزنامه‌های اصلاح‌طلب در راستای تخریب آقای هاشمی ایشان را عنوان عایجناب سرخ‌پوش خطاب می‌کردند. مردم این گونه نیستند که ما شخصیتی را تخریب کنیم و بعد قرار بگوییم مردم شما به همین کسی که تا دیروز تخریب کرده‌ایم رای دهید!

آقای روحانی از نظر جهانگیری به‌عنوان کاندیدای اصلی انتخاب نشد؟

اشتباهات در دولت به این معنا نیست که از حمایت دولت دست برداریم. ما اگر با دو کاندیدا در سال ۹۶ وارد انتخابات می‌شدیم و آقای جهانگیری کنار نمی‌رفت، چون آقای روحانی رئیس‌جمهور مستقر و معمولا رئیس‌جمهور مستقر امکان رای‌آوری بیشتری دارند تا نفری که تازه آمده و می‌خواهد برای اینها بار ستاند، احتمال شکست ما زیاد بود. مثلا من هم سال ۹۶ کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری شدم. این به این معنا نیست که از تمامیت ارضی و با روحانی رقابت کنیم. وقتی به صورت قطعی از تایید صلاحیت آقای جهانگیری مطلع شدم بلافاصله به دفتر شورای نگهبان رفتم و اعلام انصراف کردم. ستادهای تبلیغاتی خودم را در تهران و تمامی شهرها در اختیار آقای روحانی قرار دادم و اگر در سال ۹۲ با ۶۱ یک نامزد